



Explanation of the examples and effects of the divine covenant and covenant with the followers of religions from the point of view of foreign commentators (with an emphasis on interpretations: Majmael al-Bayan, Al-Mizan, Mufatih al-Ghayb and Al-Kashaf)

Fatemeh Saedi¹, Seyedeh Fatemeh Hashemi², Amir Tawhidi³

Abstract: The present article has been compiled with the aim of explaining the examples of divine covenants and covenants with the followers of heavenly religions and their consequent effects in order to recognize the basis of social responsibility and to give the correct direction to the beliefs of the followers of heavenly religions in this context. The current research method is descriptive-analytical by using the opinions of foreign commentators (emphasis on the opinions of commentators: Sheikh Tabarsi, Allameh Tabatabai, Fakhrazi and Zamakhshari) in explaining the examples and belongings of the divine covenants and covenants with respect to Muslims, Christians, Bani Israel and works It follows from it. The findings of the present research indicate that divine covenants and covenants with the followers of religions, whether in the form of general covenants or special covenants, are legal covenants that the covenants and covenants with Muslims include faith in God and obedience to the Prophet of Islam. (pbuh), and especially the commitment to the guardianship of Imam Ali (pbuh) and the covenant and covenant with the Israelites, including obligations such as monotheism, kindness to parents, and compliance with divine commands and the covenant with the scholars. He is from the book and the covenant with Christians includes the acknowledgment of the prophethood of the Messiah (pbuh) and all the prophets of God, which specifically examines examples of divine covenants with Muslims, Israelites and Christians and explains the viewpoints of foreign commentators about these covenants. does which ultimately strengthens the social system and also strengthens religious beliefs and moral obligations

Keywords: covenants, covenants, examples and works, followers of religions, foreign commentators

Submitted: 2024/6/10

Accepted: 2024/8/6

1 .Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, *f.saedi3@iaui.ac.ir*

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (**Corresponding author**). *fat.hashemi@iauctb.ac.ir*

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Nahran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, *Tohidi.a@qhu.ac.ir*

تبیین مصادیق و آثار عهد و میثاق الهی با پیروان ادیان از دیدگاه مفسران فریقین (با تأکید بر تفاسیر: مجمع البیان، المیزان، مفاتیح الغیب و الکشاف)

فاطمه ساعدی^۱، سیده فاطمه هاشمی^۲، امیر توحیدی^۳

چکیده: مقاله حاضر با هدف تبیین مصادیق عهد و میثاق الهی با پیروان ادیان آسمانی و آثار مترتب بر آن در جهت شناخت مبنایی از مسئولیت پذیری اجتماعی و جهت دادن صحیح اعتقادات پیروان ادیان آسمانی در این زمینه تدوین شده است. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی با بهره گیری از آراء مفسران فریقین (باتاکید بر آراء تفسیری: شیخ طبرسی، علامه طباطبائی، فخررازی و زمخشری) در تبیین مصادیق و متعلقات عهد و میثاق های الهی نسبت به مسلمین، مسیحیان، بنی اسرائیل و آثار مترتب بر آن می باشد. یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عهد و میثاق های الهی با پیروان ادیان چه به صورت عهد و میثاق عام و چه به صورت عهد و میثاق خاص عهدهی تشریعی است که عهد و میثاق با مسلمین شامل ایمان به خدا، اطاعت از پیامبر اسلام (ص)، و به ویژه تعهد به ولایت امام علی(ع) و عهد و میثاق با بنی اسرائیل شامل تعهداتی مانند یکتاپرستی، احسان به والدین، و رعایت دستورات الهی و میثاق با علمای اهل کتاب است و عهد و میثاق با مسیحیان شامل اعتراف به نبوت حضرت مسیح (ع) و همه پیامبران خدا است که به طور خاص به بررسی نمونه هایی از میثاق های الهی با مسلمانان، بنی اسرائیل و مسیحیان، پرداخته و دیدگاه های مفسران فریقین را پیرامون این میثاق ها تبیین می کند. که نهایتا موجب استحکام نظام اجتماعی و نیز تقویت اعتقادات دینی و تعهدات اخلاقی می گردد.

واژگان کلیدی: عهد، میثاق، مصادیق و آثار، پیروان ادیان، مفسران فریقین.

* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۴

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۵

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث واحد نهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

f.saedi3@iaui.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد نهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده

مسئول) fat.hashemi@iauctb.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد نهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، -amir-tohidi

Tohidi.a@ghu.ac.ir

مقدمه

عهد و میثاق الهی از جمله مفاهیم اساسی است که به طور گسترده در قرآن کریم و روایات شیعه و اهل سنت مورد بحث قرار گرفته و نقش بنیادینی در تبیین رابطه خداوند با پیروان ادیان الهی ایفا می‌کند. این پیمان‌ها دارای جنبه‌های اعتقادی و تشریعی هستند و مسئولیت‌های سنگینی را بر عهده انسان‌ها می‌گذارند و تخلف از این میثاق‌ها می‌تولند تبعات مهمی داشته باشد از این رو بررسی دقیق این پیمان‌ها از منظر آیات و روایات اهمیت ویژه‌ای دارد. از آنجا که این پیمان‌ها نقش مهمی در تعیین اصول اخلاقی و دینی ایفا می‌کنند، بررسی جامع و تطبیقی این موضوع از منظر تفسیری، به روشن شدن جایگاه میثاق‌های الهی در زندگی دینی و اجتماعی پیروان ادیان کمک می‌کند. با توجه به اهمیت آیات ناظر بر عهد و میثاق‌های الهی و پیامدهای وفا یا نقض آن‌ها در هدایت انسان‌ها، مصادیق و آثار عهد و میثاق الهی، بررسی دقیق و تفسیر این آیات به منظور دستیابی به درکی عمیق‌تر از نقش میثاق‌های الهی ضرورت می‌یابد. پژوهش حاضر با تمرکز بر مقایسه تفسیری آیات ناظر بر عهد و میثاق خاص الهی با پیروان ادیان، قصد دارد ابعاد مختلف این پیمان‌ها را واکاوی کند. هدف اصلی این تحقیق

پاسخ به این سوالات است که میثاق‌های الهی در قرآن و روایات چه جایگاهی دارند و چگونه این میثاق‌ها در هدایت و تربیت پیروان ادیان الهی نقش ایفا کرده‌اند؟ به طور کلی، پژوهش‌های انجام شده در این خصوص، حاکی از آن است که تاکنون تحلیل و تطبیق کامل و دقیقی در این حوزه به طور خاص انجام نشده است. یکی از مقالات قابل توجه، «میثاق در قرآن و عهد جدید» نوشته خلیل حکیمی‌فر و محمد پوراحمد است. این مقاله به بررسی تطبیقی مفهوم میثاق در اسلام و مسیحیت می‌پردازد. میثاق به عنوان یک مفهوم بنیادی در هر دو دین، رابطه‌ای دو جانبه بین خدا و انسان را ترسیم می‌کند که در آن خداوند به انسان حیات می‌بخشد و انسان در مقابل، موظف به اطاعت از اوست. در حالی که در مسیحیت منظور از میثاق خود حضرت مسیح (ع) است، در اسلام توجه بیشتر به نوع انسان است و پیامبر (ص) نقش تذکردهنده را دارد. این پژوهش با بررسی این تفاوت‌ها و اشتراکات، دیدگاه‌های متفاوتی که در اسلام و مسیحیت در مورد این مفهوم وجود دارد را تبیین می‌کند. در حالی که در مقاله حاضر میثاق را در سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت از دیدگاه مفسران شیعه و سنی بررسی می‌کند و به بیان مصادیق عهد و میثاق الهی براساس

دیدگاه مفسران فریقین می‌پردازد. همچنین، در این پژوهش سعی بر آن است که به صورت جامع دیدگاه‌ها و آراء تفسیری مفسران مورد اشاره فریقین (شیعه و اهل سنت) درباره عهد و میثاق الهی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد تا زوایای بیشتری از تفاوت‌ها و شباهت‌های تفسیری درباره عهد و میثاق‌های الهی با پیروان ادیان روشن سازد.

مقاله دیگری تحت عنوان «انواع عهد و میثاق از منظر قرآن و روایات» نوشته حمید محمد قاسمی، محمد هادی یدالله پور و فریده استیان است. در این مقاله به بررسی انواع عهد و میثاق که شامل عهد خدا با انسان، عهد انسان با انسان‌ها و عهد انسان با خویش‌ن برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) است و صرفاً دیدگاه تفسیری مفسران شیعه نظیر علامه طباطبایی، طبرسی و جوادی آملی را متذکر شده است.

با اینکه پژوهش‌های پیشین به طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، اما تاکنون تحلیل تطبیقی جامعی بین دیدگاه‌های مفسران فریقین مختلف در این زمینه صورت نگرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با بررسی دیدگاه‌های تفسیری طبرسی، طباطبایی، فخر رازی و

زمخسری، تأثیر گرایش‌های مذهبی و کلامی آن‌ها را بر فهم آیات مربوط به عهد و میثاق الهی را ارزیابی کند. لذا حامل دستاوردهای مهمی در شناخت حقایق تفسیری و مصداقی مهمترین میثاق‌های فطری ربوبی در مسأله توحید، نبوت و ولایت می‌باشد و می‌تواند منتج به تذکر و تاکید بر وفاداری به میثاق فطری الهی در نعمت‌های الهی به ویژه ولایت‌پذیری شود. در این پژوهش، تلاش بر این است تا به بررسی عهد و میثاق الهی با سه گروه از پیروان ادیان الهی، یعنی مسلمانان، بنی‌اسرائیل و مسیحیان بپردازیم.

۱. معنای واژگان عهد و میثاق در قرآن

در این زمینه لازم است ابتدایه معنای لغوی و اصطلاحی واژگان عهد و میثاق و سپس به واژگان جانشین آن اشاره گردد:

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی عهد

عهد از ریشه «ع ه د» به معنای تعهد، التزام، پیمان و وفاداری است (افرام بستانی، ۱۳۷۶، ۲: ۳۵۸). این واژه به معنای حفظ و نگه‌داشتن و نیز سفارش و وصیت نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱: ۱۰۲). برخی معنای امر کردن را برای آن برگزیده‌اند (طریحی، ۱۴۱۴، ۳: ۱۱۵-۱۱۷). در اصطلاح، «عهد» به پیمانی گفته می‌شود که حفظ و رعایت آن الزامی است (فیومی، ۱۴۲۸: ۴۳۵) و به تعهد به اجرای

بستن و سفارش نمودن به حفظ و نگه داری پیمان دو طرفه است درحالی که در میثاق، قرارداد یک طرف وجود دارد و به پیمان موکدی که موجب اعتماد و همراه با استواری است گفته می شود.

۳-۱. واژگان جانشین (به ظاهر مترادف) با دو واژه عهد و میثاق در قرآن

قرآن کریم برای بیان مفهوم عهد از واژه‌های مختلفی چون «إِصْر» (وعد و ذمه) نیز استفاده کرده است که در اینجا به آنها اشاره می کنیم: «إِصْر» در لغت به معنای سنگینی، پیمان، و گناه است و در قرآن به پیمان موکد اشاره دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۷: ۱۴۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۱۴، ۱: ۹۳). این واژه سه بار در قرآن به کار رفته است: در آیه ۸۱ سوره آل عمران به معنای پیمان، و در آیات ۲۸۶ سوره بقره و ۱۵۷ سوره اعراف به معنای سنگینی آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۴۶۹). «وعد» به معنای عهد است و به تعهد به انجام امری اشاره دارد که بدون شرط می باشد، برخلاف «عهد» که همراه با شرط است (قرشی، ۱۳۷۱، ۷: ۲۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۶). (ذمه) در قرآن به معنای تعهد و ضمانت آمده و عدم رعایت آن موجب ملامت می شود (ابن فارس، ۱۴۱۴، ۱: ۳۵۱). به طور کلی، «إِصْر» به پیمان‌های سنگین،

یک دستور یا پیمانی میان دو طرف اشاره دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۱). در قرآن، این واژه به معنای پیمان الهی و تعهدات انسان‌ها در برابر دستورات الهی به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ۵: ۵۹) و مجموعاً ۴۴ بار در ۱۷ سوره قرآن به کار رفته است.

۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی میثاق

میثاق از ریشه «وِثَق» به معنای عهد و پیمان محکم و استوار است. این واژه به معنای بستن و تقویت عهد نیز آمده است. (طریحی، ۱۴۱۴، ۵: ۲۴۴). بنابراین و به معنای پیمانی محکم همراه با تعهد و اعتماد است. در اصطلاح، (میثاق) به معنای عهدی است که با سوگند و تأکید محکم می شود و معمولاً به پیمان‌های الهی که استواری بیشتری دارند اشاره دارد. (قرشی، ۱۳۷۱، ۷: ۱۸۱) میثاق بیشتر به پیمان‌های یک طرفه و محکم‌تر از عهد اشاره دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۳) کلمه میثاق در مجموع ۳۴ بار در ۱۳ سوره از قرآن کریم به کار رفته است. در وجه تفاوت عهد و میثاق به این نکته باید اشاره نمود که عهد نسبت به میثاق، عام است و به بیان دیگر میثاق اخص از عهد است در برخی موارد نیز عهد به معنای قرارداد دو طرفه آمده است که اصطلاحاً به آن معاهده نیز گفته می شود یعنی پیمان

«وعد» به تعهدات بدون شرط، و «ذمه» به تعهداتی با پیامد ملامت اشاره دارند.

۲. عهد و میثاق الهی با مسلمین و پیروان سایر ادیان الهی

در آیات قرآن عهد و میثاق الهی با سه دسته اصلی مسلمانان، بنی اسرائیل و مسیحیان مطرح شده است که به طور اجمال در ذیل به عهد و میثاق در این سه دسته می پردازیم:

۲-۱. عهد و میثاق الهی با مسلمانان

در آیه ۷ سوره آل عمران خداوند می فرماید: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آن گاه که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم و از خدا پروا دارید که خدا به راز دلها آگاه است». در آیات قرآن، «نعمت» به اشکال مختلف به الطاف الهی اشاره دارد. لازم به ذکر است که واژه «نعمت» در قرآن بسیار گسترده ذکر شده و فراتر از معنای مادی است که شامل نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی است. آیاتی مانند آیه ۲۰ سوره لقمان که می فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (ندیدید که خداوند

آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است) به نعمت ظاهری اشاره دارد. اما نعمت باطنی می‌توان به آیه ۴۰ سوره بقره اشاره نمود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِلَيَّ فَارْجِعُونَ» (ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید) آیه مورد اشاره به یادآوری نعمت‌های الهی پرداخته و مسلمانان را به تأمل در نعمت‌هایی که خداوند به آن‌ها عطا کرده، فرا می‌خواند. شیخ طبرسی معتقد است که این واژه در آیه فوق‌الذکر هرچند به صورت مفرد آمده است، اما معنای آن کلی و گسترده است و شامل تمام نعمات مادی و معنوی الهی می‌شود و نیز ایشان یادآور می‌شود که پیامبر (ص) نعمت خداوند را به مسلمانان یادآوری کرده است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۶: ۲۳۲)، در حالی که مکارم شیرازی آن را به طور خاص به اسلام مرتبط می‌داند که امنیت و برادری را فراهم کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۹۷). علامه طباطبایی با نگاهی دقیق‌تر، مفهوم «نعمت» را به ولایت یا اسلام مرتبط

می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵ : ۳۷۷).
 بزرگ‌ترین نعمت‌ها، نعمت ایمان و هدایت
 است که مسلمانان با شنیدن و اطاعت از
 آن‌ها به آن دست یافته‌اند. در آیه ۷ سوره آل
 عمران، خداوند بر اهمیت توجه به
 نعمت‌های الهی و حفظ تقوا تأکید می‌کند.
 در اسلام، این نعمت‌ها به منابع و امکانات
 الهی اطلاق می‌شود که استفاده صحیح از
 آن‌ها، زمینه‌ساز رشد و تعالی فردی و
 اجتماعی است. قرآن با یادآوری این
 نعمت‌ها، حس مسئولیت‌پذیری را در
 مؤمنان تقویت کرده و آن‌ها را به حفظ و
 گسترش این نعمت‌ها دعوت می‌کند.
 بنابراین، توجه به این نعمت‌ها و تلاش برای
 به‌کارگیری آن‌ها به تحقق جامعه‌ای معنوی
 و پویا کمک می‌کند.

۱۴۰۷، ۱ : ۶۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵ :
 ۳۷۶). (ب) عهد و میثاق تکوینی و فطری:
 این عهد را به پیمانی مرتبط می‌دانند که
 خداوند در عالم ذر با انسان‌ها بسته است.
 طبق این دیدگاه، انسان‌ها از نظر فطری به
 شناخت و اطاعت از پروردگار متعهد
 هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴ :
 ۲۹۸) فخر رازی با این دیدگاه مخالف
 است و استدلال می‌کند که انسان‌ها این
 پیمان را به یاد نمی‌آورند، پس نمی‌توانند به
 وفای آن ملزم شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰،
 ۱۱ : ۳۲۰).

۲-۱-۲. مفاد عهد و میثاق با مسلمانان در روایات

روایات مختلفی درباره عهد و میثاق آیه
 مورد بحث وجود دارد. که مهم‌ترین آنها
 روایت ذیل است:

عهد ولایت در روز غدیر خم

(از امام صادق (ع) در مورد آیه « وَ اذْكُرُوا
 نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ »
 نقل شده که فرمودند: زمانی که رسول خدا
 (ص) پیمان ولایت را از ایشان گرفت
 گفتند: (شنیدیم و اطاعت نمودیم). و آنگاه
 پیمانش را نقض کردند. (قمی، ۱۳۶۷، ۱ :
 ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳ : ۳۷۰؛
 حویزی، ۱۴۱۵، ۱ : ۶۰۱) طبق روایت
 امام صادق (ع)، این آیه به پیمانی اشاره
 دارد که پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم

۲-۱-۱. تکوینی یا تشریعی بودن عهد و میثاق الهی در آیه فوق

مفسران درباره میثاق الهی در آیه مورد
 بحث نظرات مختلفی دارند. که دو دیدگاه
 عمده در این زمینه وجود دارد: الف) عهد و
 میثاق تشریعی: این عهد، همان است که
 مسلمانان در مواقعی مانند حُدیبیه، حجة
 الوداع و عقبه با پیامبر (ص) بسته‌اند. این
 بیعت شامل وفاداری به اسلام و اطاعت
 بی‌قید و شرط از خدا و پیامبرش (ص) بوده
 است (طبرسی، ۱۳۶۰، ۶ : ۲۳۳؛ فخر
 رازی، ۱۴۲۰، ۱۱ : ۳۲۰؛ زمخشری،

از مسلمانان درباره ولایت امام علی (ع) گرفتند. (طوسی، ۱۳۸۲، ۳: ۱۴۴؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۶۰۱). لذا بر اساس روایات، آیه ۷ سوره آل عمران، به پیمان ولایت امام علی (ع) در روز غدیر خم اشاره دارد که در آن مسلمانان به ولایت ایشان، به عنوان بخشی از نعمت الهی، توافق و «شنیدیم و اطاعت نمودیم» گفتند، ولی بعدها پیمان خود را نقض کردند.

۲-۲. عهد و میثاق الهی با بنی اسرائیل

قرآن کریم به داستان‌های بنی اسرائیل و حضرت موسی (ع) اشاره کرده و از سرسختی آن‌ها در پذیرش توحید سخن گفته است. قرآن با ارائه روایتی جامع از زندگی، ویژگی‌ها و تعاملات این قوم با پیامبران (ع)، تصویر روشنی از آن‌ها را ترسیم می‌کند. لازم به یادآوری است که عبارت «بنی اسرائیل» در قرآن ۴۱ بار ذکر شده که نشان‌دهنده اهمیت این قوم در متون اسلامی است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۹۱؛ سبحانی، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۳۲۵). در قرآن کریم به نکات متعددی از زندگی بنی اسرائیل اشاره شده است؛ بنابراین، کثرت اشاره و خطاب به بنی اسرائیل، و ذکر فراوان حوادث راجع به آنان به عنوان قوم حضرت موسی (ع)، در قرآن نشان‌دهنده اهمیت فراوان این قوم نزد مسلمانان و نیز آشنایی عرب‌ها با ایشان در

پیش از اسلام و در صدر اسلام است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۲۱۱). به طور کلی عهد و میثاق الهی با بنی اسرائیل در دو دسته عمومی و اختصاصی قابل بررسی است. که به مسائل اعتقادی، اخلاقی، و عملی می‌پردازد و در ذیل به آیاتی که در این دسته بندی قرار می‌گیرند اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۲. عهد و میثاق عمومی الهی

میثاق‌های الهی با بنی اسرائیل در قرآن کریم به طور مکرر مورد اشاره قرار گرفته و نقض این میثاق‌ها توسط بنی اسرائیل نیز به تفصیل بیان شده است. در این بخش، به بررسی سه دسته از این میثاق‌ها خواهیم پرداخت: الف) میثاق بر یکتاپرستی و احسان به والدین ب) میثاق بر عمل به دستورات الهی با جدیت و قوت، ج) میثاق بر رسالت پیامبران (ع) و پیامبر اکرم (ص).

۱-۲-۲-۱. عهد و میثاق بر یکتاپرستی، احسان به والدین و اخلاق عملی (آیات ۸۳ و ۸۴ بقره و ۱۲ مائده)

خداوند متعال در آیات ۸۳ و ۸۴ سوره بقره به هشت مورد از عهد و میثاق بنی اسرائیل اشاره کرده است. آیه ۸۳ شامل شش دستور فردی و اجتماعی است، در حالی که دو دستور دیگر در آیه ۸۴ سوره بقره و دو دستور اضافی در آیه ۱۲ سوره مائده ذکر شده‌اند که مجموعاً ده فرمان می‌شوند. این

پیمان‌ها ضامن سعادت دنیا و آخرت هستند و در قرآن به‌طور جامع و از دیدگاه فطرت و شریعت مورد تأکید قرار گرفته‌اند. خداوند در صورت عمل به این پیمان‌ها، دو پاداش بزرگ برای بنی اسرائیل مقرر کرده است: ۱) «لَا تُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (گناهان شما را می‌پوشانم) و ۲) «وَلَا دُخِلْنَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (شما را به باغ‌های بهشتی وارد می‌کنم که نه‌رهایی از زیر آنها جاری است). فخر رازی معتقد است که این میثاق‌ها به یهودیان هم عصر پیامبر (ص) و پیشینیان آنها خطاب شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۵۹۱). در ادامه، به تحلیل میثاق‌های الهی با بنی اسرائیل از دیدگاه تفاسیر فریقین و تأثیر آن بر اخلاق و احکام اجتماعی خواهیم پرداخت.

۱. آیه ۸۳ سوره بقره: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...» و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید».

۲. آیه ۸۴ سوره بقره: «وَإِذْ أَخَذْنَا

مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...» و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: خون همدیگر را مریزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید». ۳. آیه ۱۲ سوره مائده: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَزْتُمْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...» در حقیقت، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت. و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. و خدا فرمود: من با شما هستم. اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید».

نکاتی که در ذیل این آیات می‌توان مطرح نمود شامل موارد ذیل است:

الف. میثاق‌های اعتقادی و اخلاقی: که شامل مباحث مرتبط توحید: تأکید بر پرستش فقط خداوند «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ»، احسان به والدین: اشاره به اهمیت حقوق والدین «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، که جامع حقوق طبیعی است و در عهد فطرت نهادینه شده است؛ احسان به خویشاوندان، یتیمان و مستمندان: «وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» به تأکید بر روابط انسانی و کمک به نیازمندان اشاره دارد؛ گفتار نیک با مردم: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»

تأکید بر گفتار نیک و ارتباط مثبت با دیگران. این میثاق‌ها در واقع عهد فطری است که با قوانین شرعی تحکیم شده است. در آیات مختلف، احسان به والدین در کنار توحید ذکر شده است، مانند «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» (اسراء/۲۳) (طوسی، ۱۴۱۳، ۱: ۳۳۲؛ جصاص، ۱۴۰۵، ۱: ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۳۹). طبق این آیات، ترتیب احسان ابتدا حق خداوند و سپس والدین و خویشاوندان و یتیمان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۳۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۵۸۷).

ب. میثاق‌های اجتماعی و حقوقی: بررسی آیات مربوط به حرمت خون‌ریزی «لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ» به اتحاد بشریت و انسان دوستی که جامعه بشری را به مثابه یک خانواده واحد می‌داند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۵۹۱) و جلوگیری از اخراج افراد از دیار و حفظ امنیت اجتماعی «وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» که قرآن به بنی‌اسرائیل در مورد عدم بیرون کردن هم‌نوعانشان از خانه‌هایشان سفارش نموده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۳۹).

ج. میثاق بر رهبری و سرپرستی دینی در بنی‌اسرائیل: یکی از مشکلات اصلی

بنی‌اسرائیل عدم ایمان به انبیاء پس از موسی (ع) بود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۱: ۳۲۴). در آیه ۱۲ سوره مائده، واژه «نقیب» به معنای سرپرست و رئیس قوم است که امور مادی و معنوی آنها را مدیریت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۱؛ طریحی، ۱۴۱۴، ۲: ۱۷۶). همچنین «نقیب» به عنوان ضامن قوم که بر اسرار آنها احاطه دارد، معرفی شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۵: ۱۸۰). علامه طباطبایی می‌گوید که دوازده نقیب در بنی‌اسرائیل به عنوان رؤسای اسباط دوازده‌گانه وظیفه رسیدگی به امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده داشتند، اما وحی و تشریع احکام الهی تنها به حضرت موسی (ع) اختصاص داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۳۹۰). بنابراین با استناد به آیات سوره‌های بقره و مائده، به ویژه ده فرمان و تعهدات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی، میثاق الهی بررسی می‌شود. این میثاق‌ها، شامل اصول بنیادینی چون توحید و احسان، وعده آمرزش، بهشت و سعادت است. با توجه به تأثیر دیدگاه‌های مذهبی و کلامی بر تفسیر این آیات، تفاوت‌های تفسیری بین مفسران شیعه و سنی نیز بررسی می‌شود. به ویژه، آیات ۸۳ و ۸۴ سوره بقره به عنوان نمونه‌ای از تعهدات اجتماعی مورد توجه

قرار می‌گیرند تا نقش آن‌ها در نظم اجتماعی و تحقق اهداف دینی و انسانی تبیین شود. هدف نهایی، درک بهتر از اصول میثاق الهی و ارائه راهنمایی برای رفتارهای فردی و اجتماعی در جوامع امروزی است، چرا که این میثاق‌ها فراتر از رویدادهای تاریخی و الگویی برای ارتباط صحیح بین انسان، جامعه و جهان ارائه می‌دهند و بر ارزش‌های اخلاقی و همبستگی اجتماعی برای سعادت و کمال بشری تأکید دارند.

د. روایات تفسیری پیرامون عهد و میثاق در آیات مذکور خداوند با بنی اسرائیل

در تفسیر آیات فوق الذکر روایاتی از شیعه و اهل سنت ذکر شده که به آنها اشاره می‌کنیم:

عهد و میثاق دوازده نقیب

۱. پیامبر (ص) فرمودند: خدای تعالی از من و از دوازده امام بعد از من پیمان گرفت و آن‌ها حجت‌های خداوند بر خلق او هستند. دوازدهمین آن‌ها قائم (عج) است که خداوند زمین را به وسیله‌ی او از قسط و عدل پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۱ : ۲۸۳).

۲. از عبد الله بن مسعود نقل شده که از او پرسیدند چند نفر بر این امت حکومت خواهند کرد؟ او پاسخ داد: ما از

پیامبر (ص) همین پرسش را نمودیم و ایشان در پاسخ فرمودند: دوازده نفر، به تعداد نقیب‌های بنی اسرائیل اند. (ابن حنبل، ۱۴۲۱، ۱ : ۳۹۸؛ متقی هندی، ۱۴۱۲، ۵ : ۳۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۲ : ۲۶۸).

در منابع شیعه نقل گردیده که نقبایی که قرآن از آن‌ها سخن می‌گوید وجود مقدس دوازده معصوم (ع) است (ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۱۳ : ۳۷۴؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۲ : ۲۹۳) و نیز در روایات تفسیری تاویلی ذیل آیه ۸۵ سوره بقره از حضرت زهرا (س) و امام حسن عسکری (ع) نقل شده که والدین دینی، حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۳ : ۱۰۵؛ فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ۱ : ۱۰۵؛ الامام العسکری (ع)، ۱۴۰۹ : ۳۲).

روایات تفسیری شیعه و اهل سنت در تفسیر آیات مربوط به پیمان‌های الهی با بنی اسرائیل، اگرچه در جزئیات و مصادیق ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند، اما در یک نکته اساسی مشترک هستند عهد و میثاق الهی با بنی اسرائیل، یک نمونه و الگویی برای تمام امت‌ها در طول تاریخ است. روایات شیعه، با تأکید بر نقش امامت و اهل بیت (ع) به عنوان مصادیق عینی این پیمان، بعد دیگری به این تفسیر

می‌افزایند و آن رهبری الهی و معصوم (ع)، که ضامن اجرای صحیح و کامل این پیمان است. به این معنا که جامعه‌ای که تحت رهبری الهی قرار دارد، بهتر می‌تواند به اصول و ارزش‌های مورد نظر خداوند در پیمان‌ها عمل کند.

۲-۲-۱-۲. عهد و میثاق عمل به دستورات الهی و برافراشتن کوه طور (۶۳ و ۹۳ بقره و ۱۵۴ نساء، ۱۷۱ اعراف)

عهد و میثاق عمومی در آیات فوق الذکر به یک واقعیت تاریخی اشاره می‌کند که به دلیل مخالفت بنی اسرائیل با دستورات خداوند در زمان حضرت موسی (ع) اتفاق افتاد. که پیمان گرفتن از بنی اسرائیل و قرار گرفتن کوه طور بالای سر آنها را مطرح کرده است در این آیات خداوند بنی اسرائیل را به پذیرش دستورات الهی با قوت و جدیت فراخوانده است. که به ۳ مورد از این آیات اشاره می‌کنیم.

۱. آیه ۶۳ سوره بقره: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ...»؛ و چون از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما افراشتیم، [و فرمودیم:] «آنچه را به شما داده‌ایم به جدّ و جهد بگیرید».

۲. آیه ۹۳ سوره بقره: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا

وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ...»؛ و آن گاه که از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم، [و گفتیم:] «آنچه را به شما داده‌ایم به جدّ و جهد بگیرید، و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید.» گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم.» و بر اثر کفرشان، [مهر] گوساله در دلشان سرشته شد».

۳. آیه ۱۵۴ سوره نساء: «وَ رَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَ قُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و کوه طور را به یادبود پیمان [با] آنان، بالای سرشان افراشته داشتیم و به آنان گفتیم: سجده‌کنان از در درآیید» و [نیز] به آنان گفتیم: در روز شنبه تجاوز نکنید. و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم).

الف. میثاق و تربیت عمومی الهی و دیدگاه مفسران

هنگامی که حضرت موسی (ع) احکام تورات را به بنی اسرائیل ابلاغ کرد و آنها مخالفت نمودند، خداوند کوه طور را به عنوان تهدیدی جدی لکن موقت بر سرشان قرار داد تا به دستورات عمل کنند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۰۴). مفسران دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد این عهد و میثاق بیان نموده‌اند که به آنها اشاره می‌شود: الف) میثاق بر توحید و تصدیق انبیا:

دو بخش تقسیم می‌شود: یکی، پیمانی که به فطرت انسان‌ها و پذیرش پیامبران مرتبط است (طوسی، ۱۴۳۱، ۱: ۲۸۷؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۰۲) و دیگری، پیمانی که خداوند از پیامبران برای اقرار به رسالت گرفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۵۳۸).
 ب) پیمان عمل به تورات: برخی دیگر میثاق را پیمانی بر جدیت در عمل به دستورات تورات می‌دانند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۰۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۱۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱: ۲۹۴). در تفسیر برافراشتن کوه طور، برخی مفسران شبهه اجبار در میثاق را مطرح کرده‌اند. علامه طباطبایی و فخر رازی با استناد به بخشی از آیه ۲۵۶ سوره بقره: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» تأکید می‌کنند که ایمان باید اختیاری باشد و برافراشتن کوه برای نمایش عظمت خدا بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۰۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۶۰۴).
 زمخشری و طبرسی این واقعه را به دلیل عهدشکنی بنی اسرائیل و برای تسلیم ظاهری در برابر احکام تورات می‌دانند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۰۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۱۷۶). درباره نحوه وقوع، نظرات مختلفی از ساییانی شدن کوه (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۰۲) تا زلزله (رشید رضا، ۱۴۱۴، ۱: ۲۸۲) و قرار گرفتن موقت بخشی از آن بر سرشان (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴، ۶: ۴۳۹) وجود دارد.
ب. بازدارندگی از انحرافات و تمرد مکرر بنی اسرائیل
 بزرگ‌ترین انحرافات بنی اسرائیل: الف) گوساله‌پرستی بود که قرآن در آیه ۹۳ سوره بقره به آن اشاره می‌کند: «وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ» که نشانه کفر و نافرمانی از احکام تورات بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۶۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۳۵).
 همچنین، عدم تبعیت عملی آنان از دستورات الهی با عبارت «قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا» آشکار شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۱۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۵۳).
 ب) ممنوعیت صید در روز شنبه: نیز از دستورات خدا بود، ولی برخی تخلف کردند و به عذاب گرفتار شدند (طوسی، ۱۴۱۳، ۳: ۳۷۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۶: ۱۲۸). پس از تمردهای مکرر، خداوند کوه طور را بر سر آنان قرار داد تا از انحراف بازداشته شوند و دل‌هایشان نرم گردد. و آماده دریافت دستورات جدید گردند از جمله این دستورات، دستور به توبه و ورود با حالت سجده است در آیه ۵۸ سوره بقره، به آنان دستور داده شد با حالت سجده وارد شهر شوند و «حِطَّةً» بگویند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۶۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۵۲۳). لازم به ذکر است که (حِطَّةً) در لغت به معنای بار بار بر زمین

نهادن و فرود آمدن از بلندی، و به معنای فرو ریختن گناه، نیز آمده است اما آنان این دستور را تغییر دادند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۲؛ افرام بستانی، ۱۳۷۶: ۲۱). بنابر این آیات فوق الذکر در قرآن، پیمان خداوند با بنی اسرائیل را روایت می کنند که با تأکید بر جدیت این پیمان از طریق بالا بردن کوه طور، به عهدشکنی آنان و پیامدهای نافرمانی شان اشاره دارد. این آیات نشان می دهند که پیمان های الهی نیازمند توجه جدی و عمل به دستورات هستند و عدم رعایت آن ها عواقب ناگواری دارد. این پیمان ها، نظم بنیادین را ایجاد می کنند که منجر به ارتباطات معنوی و اجتماعی و ایجاد جامعه ای عادل و پایدار می شوند و امکان تحلیل دقیق تر نعمت های الهی را فراهم می سازند. بنابراین، با استفاده از این جریان نظری، امکان تحلیل دقیق تری از داده های مربوط به نعمت های الهی فراهم می گردد.

ج. میثاق و ولایت در روایات: دروازه حطه و کشتی نجات

در روایات تفسیری، به مفاد میثاق موجود در آیات و تشبیه ولایت اهل بیت (ع) به دروازه حطه اشاره شده است.

۱. (از امام علی (ع) نقل شده است مثل ما در این امت همانند کشتی نوح و همانند دروازه حطه در بنی اسرائیل است)

(ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۶: ۳۷۲). لازم به ذکر است تمام روات این روایت، از روات بخاری و یا مسلم هستند که توسط بزرگان علم رجال اهل سنت توثیق شده اند.

۲. امام علی (ع) فرمودند: از پیامبر خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «ای علی (ع)! مثل تو در میان امت من همچون دروازه ی حطه (آمزش و غفران الهی) بنی اسرائیل است؛ پس هرکس وارد ولایت تو شود در واقع طبق امر خداوند، وارد آن دروازه شده است». (کلینی، ۱۳۶۳، ۸: ۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱: ۴۳۵). بنابراین روایات نشان می دهند که اطاعت از اهل بیت (ع) موجب بخشش گناهان می شود و تخلف از این اطاعت به عذاب منجر خواهد شد.

این روایات، ولایت امام علی (ع) را با کشتی نوح و دروازه حطه (که نماد نجات و آمزش در بنی اسرائیل است) مقایسه می کنند و آن را راه رسیدن به رستگاری و نجات الهی در اسلام معرفی می کنند. این تشبیهات، اهمیت و جایگاه ویژه ولایت را در اسلام برجسته می سازند.

۳-۲-۲. میثاق بر رسالت پیامبران (ع) و پیامبر اکرم (ص) (آیات ۷۰ مائده، ۱۵۷ اعراف، ۸۹ بقره)

سومین بخش از عهد و میثاق عمومی الهی

آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد».

الف. میثاق بنی اسرائیل و مخالفت با نبوت پیامبر اسلام (ص)

میثاق خداوند با بنی اسرائیل آن‌ها را ملزم به پذیرش پیامبران، از جمله پیامبر اسلام (ص)، می کرد که بشارت او در تورات و انجیل آمده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵ : ۲۹). اما یهودیان به دلیل تعصبات قومی و منافع دنیوی، او را انکار کردند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۷ : ۱۲۷). آیات ۹۳، ۸۴ و ۸۷ سوره بقره به پیمان محکم بنی اسرائیل با خدا اشاره دارد که آن‌ها را به پیروی از احکام الهی موظف می کرد، اما همواره این میثاق را نقض می کردند و پیامبران را انکار یا حتی می کشتند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱ : ۶۶۳). فخر رازی دلیل این انکار را عرب بودن پیامبر اسلام (ص) و از دست دادن نفوذشان می داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳ : ۵۹۹). قرآن نیز در آیه ۱۵۷ سوره اعراف ویژگی های پیامبر (ص) بیان کرده که مهم ترین آنها «رسول»، که مقامی بالاتر از «نبی» است و مأمور به تبلیغ دین خداست (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۵ : ۳۸۰) لکن، نبی، اگرچه وحی دریافت می کند؛ اما

با بنی اسرائیل، در مورد رسالت پیامبران (ع) و پیامبر اکرم (ص) است که با وجود دریافت پیمان های الهی و آگاهی از حقایق، بنی اسرائیل بارها از این میثاق ها سرپیچی کرده و حتی برخی از پیامبران را به قتل رساندند. این مسئله در آیات مختلف قرآن بیان شده که شامل موارد زیر است:

۱. آیه ۷۰ سوره مائده: «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ؛ ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم، و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم. هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند».

۲. آیه ۱۵۷ سوره اعراف: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ...؛ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند».

۳. آیه ۸۹ سوره بقره: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان

در این بخش به مفاد میثاق در آیات فوق از منظر روایات پرداخته شده است که شامل سه محور اصلی است:

۱. پیروی از نوری که با پیامبر (ص) نازل شد (امام صادق (ع) فرمودند: نور در اینجا «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ» امیرمؤمنان علی (ع) و ائمه (ع) هستند) (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲: ۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۵: ۴۰۴؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۲: ۸۳).

جالب توجه این که با مراجعه به تمام منابع روایی شیعه در ذیل آیاتی که واژه (نور) در آن ها ذکر شده نور به امیرالمومنین علی (ع) و ائمه اطهار (ع) تفسیر شده است. آیاتی چون «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء/۱۷۴)، «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام/۱۲۲) و نیز آیات (بقره/۲۵۷، مائده/۱۵، توبه/۳۲، شوری/۵۲ و حدید/۹) این واژه به همین معنا ذکر گردیده است. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۵۹؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۱۶؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۶۰۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۲: ۲۰۳).

۲. صفات پیامبر (ص) در تورات و انجیل

در منابع روایی شیعه، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. که با توجه به طولانی بودن روایت، از بیان مفصل آن

لزوماً مأمور به تبلیغ نیست (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۷: ۶) و (امی) برخی این را به معنای درس نخوانده (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۰: ۷۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۵: ۳۸۰)، و برخی به معنای اهل مکه دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶: ۳۹۷). امر به معروف، نهی از منکر و برداشتن بارهای سنگین از مردم را نیز از ویژگی های ایشان می باشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۰: ۸۱). با وجود این ویژگی ها، تعصبات و منافع دنیوی باعث شد بسیاری از بنی اسرائیل، نبوت پیامبر اسلام (ص) را انکار کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸: ۳۶۲).

بنی اسرائیل با وجود پیمان های الهی و آگاهی از رسالت پیامبران، بارها از این میثاق ها سرپیچی و برخی از پیامبران را کشتند. این نشان دهنده ی ناسپاسی و عدم پذیرش حقایق الهی از سوی آنان است. عدم پذیرش و انکار حقایق الهی (و در این مورد خاص، پیامبران الهی (ع) در بنی اسرائیل، می تواند به عنوان یک الگوی رفتاری در تعامل با اراده و وحی الهی مورد بررسی قرار گیرد. این عدم پذیرش، نه تنها به خود بنی اسرائیل، بلکه به سایر جوامع بشری هم می تواند در مورد چگونگی مقابله با وحی الهی یا پیامبران (ع) کاربرد داشته باشد.

ب. مفاد میثاق در آیات فوق الذکر از منظر روایات

می‌شود. از این رو، عدم پذیرش ولایت ائمه (ع) نه تنها نقض شریعت حضرت موسی (ع) است بلکه نقض این میثاق نیز محسوب می‌شود، و این تحلیل پیوندی بین شریعت پیامبران (ع) و ولایت ائمه (ع) در اسلام را برقرار می‌کند.

۲-۲-۲. عهد و میثاق های اختصاصی با بنی اسرائیل

خداوند علاوه بر پیمان‌های عمومی با بشریت، عهدهای اختصاصی با بنی اسرائیل و به ویژه عالمان اهل کتاب برقرار کرده که مسئولیت‌های خاصی را برایشان تعیین می‌کند؛ از جمله بیان حقیقت، تبیین معارف دینی و عدم کتمان آیات الهی. که آیات ۱۸۷ سوره آل عمران و ۱۶۹ سوره اعراف بر این موضوع تأکید دارند. در ادامه، به بخش‌هایی از این میثاق و آیات مرتبط می‌پردازیم.

۲-۲-۲-۱. مسئولیت عالمان اهل کتاب در عهد و میثاق الهی

هر دو آیه مورد اشاره به نوعی هم راستا و مکمل یکدیگر هستند. مسئولیت اجتماعی و دینی علمای اهل کتاب بر پایه قرآن و روایات در هر دو آیه بر تعهد عالمان اهل کتاب به بیان حقیقت و عدم کتمان آیات الهی تأکید دارند. که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. آیه ۱۸۷ آل عمران: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا

صرف نظر کرده و به نکات اصلی اشاره می‌کنیم: (تعدادی از یهودیان نزد پیامبر اکرم (ص) آمده و از وی در مورد پنج چیز که در تورات نوشته شده و خداوند به بنی اسرائیل امر کرده پس از موسی (ع) در آنها اقتدا کنند، سؤال کردند. پیامبر (ص) فرمود: در آغاز تورات نوشته شده است «محمد رسول الله» به زبان عبری. سپس ایشان آیاتی از قرآن تلاوت کردند که به وجود نام پیامبر (ص) در تورات و انجیل اشاره دارد: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...». همچنین در تورات، نام علی (ع) به عنوان وصی پیامبر و نام حسن و حسین (ع) و مادرشان فاطمه (س) نیز ذکر شده است. یهودی پس از شنیدن این توضیحات، حقانیت سخن پیامبر را تصدیق کرد. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ : ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۲۹۸).

- قتاده نقل می‌کند که مفاد آیه «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا...» آن است که وصف، دستور و نبوت پیامبر (ص) در کتابهایشان مکتوب است. (ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶، ۱: ۳۰۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۳: ۱۳۱).

در تحلیل روایی، «نور» در آیات مورد بحث به امیرالمؤمنین علی (ع) و لئمه اطهار (ع) تفسیر شده و پیروی از ایشان به عنوان بخشی از میثاق بنی اسرائیل تلقی

تَكْتُمُونَهُ...؛ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً بلید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمان‌ش نکنید».

۲. آیه ۱۶۹ سوره اعراف: «أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ؛ آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند».

موارد قابل طرح در خصوص این آیات شامل نکات زیر است:

الف. معنای اهل کتاب: مفسران در تفسیر این مفهوم نظرات مختلفی ارائه داده‌اند برخی مفسران اهل کتاب را به یهود و نصاری محدود کرده‌اند (طوسی، ۱۴۳۱، ۳: ۷۴). برخی دیگر این مفهوم را گسترش داده و هر کسی که علم دینی دارد و به کتاب‌های الهی آگاه است، شامل می‌شود (ثعلبی، ۱۴۲۲، ۳: ۲۲۹؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ۱: ۱۱۶). فخر رازی دیدگاه وسیع‌تری ارائه می‌دهد و معتقد است که این مفهوم مسلمانان را نیز به‌عنوان اهل قرآن شامل می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۹: ۴۵۶).

ب. مسئولیت آشکارسازی حقایق دینی: عهد الهی برای تبیین حقایق دینی تنها محدود به عالمان یهود و نصاری

نیست، بلکه مسئولیت‌هایی برای عالمان مسلمان نیز در پی دارد که آیه ۱۸۷ سوره آل عمران نیز به این مسئولیت اشاره دارد و نیز مرجع ضمیر «لِتُبَيِّنَنَّ» در این آیه به دو صورت تفسیر شده است: الف) به پیامبر اسلام (ص) اشاره دارد و وظیفه آشکار کردن پیامبری او بر عهده اهل کتاب بوده است (طبری، ۱۴۱۲، ۶: ۱۹۴؛ طوسی، ۱۴۳۱، ۳: ۷۴) ب) به کتاب‌های آسمانی بازمی‌گردد و عالمان وظیفه داشتند حقایق موجود در آن‌ها، از جمله بشارت به پیامبر اسلام (ص)، را آشکار کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۴۵۱).

ج. دنیاپرستی و پنهان‌سازی حقایق: خداوند در عهد (أُلسْتُ) از اهل علم خواسته که حقیقت را به مردم معرفی کنند که این وظیفه همواره بر عالمان دینی بوده است اما برخی عالمان دینی به دلیل منافع دنیوی حقایق را پنهان کرده و سود ناچیزی به دست آورده‌اند که مستحق عذاب ابدی می‌شوند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۴: ۳۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۹: ۴۵۷). این انحراف فکری نشان‌دهنده اولویت دادن به منافع مادی بر اصول دینی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۰۷).

آیه ۱۶۹ سوره اعراف و اهمیت وفاداری به احکام الهی: این آیه به وفاداری به احکام

۱۳۸۰، ۲: ۳۰۲)

۲. شکستن عهد و انکار پیامبر اسلام (ص)

امام باقر (ع) فرمودند: آن پیمان این است که خداوند در مورد حضرت محمد (ص) پیمان گرفت که بعد از ظهور او را به مردم معرفی کنند و «فَنَبِّذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»؛ یعنی آن‌ها بعد از ظهور عهد خدا را شکستند پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند. (قمی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۱۹۲؛ بحرانی، ۱۳۳۴، ۱: ۷۲۳).

بنابراین بنی اسرائیل بارها عهدهای الهی را نقض کرده و از دستورات خدا سرپیچی کرده‌اند. قرآن کریم به پیمان‌شکنی‌های آن‌ها در آیات مختلف اشاره دارد، از جمله نقض عهد «فَنَبِّذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» و کتمان حقایق «وَلَا تَكْتُمُونَهُ» توسط اهل کتاب (آل عمران: ۱۸۷) و مخالفت با پیامبران «كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مانده: ۷۰). کيفر لین پیمان‌شکنی‌ها در آیه ۱۳ سوره مانده «لَعَنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» لعنت و قساوت قلب بوده است (مانده: ۱۳)، با این حال در برخی موارد، در آیه ۶۴ سوره بقره «فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» فضل الهی شامل

تورات و پرهیز از دروغ بستن به خداوند تأکید دارد، که نشان‌دهنده تأثیر منافع دنیوی بر تغییر و تحریف آموزه‌های دینی است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۵: ۳۹۶؛ حر عاملی، ۱۳۶۰، ۴: ۲۵۳). بنابراین آیات ارائه شده برجسته‌کننده‌ی اهمیت مسئولیت عالمان اهل کتاب در راستای عهد و میثاق‌های الهی است. توجه به این مسئولیت‌ها می‌تواند به ارتقای سطح آگاهی دینی کمک کند و فرد و جامعه را در مسیر صحیح هدایت کند. به لحاظ اجتماعی، عدم کتمان آیات و تبیین معارف دینی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و تقویت ایمان در جامعه منجر شود. در بعد دینی، این رفتارها می‌تولند به تقویت پیوند عمیق‌تری بین مومنان و خداوند منجر گردد و جامعه را به سمت تعالی معنوی سوق دهد.

د. مصادیق عهد و میثاق اهل کتاب در روایات

عهد و پیمان اهل کتاب در روایات مرتبط با آیات مذکور به این صورت تفسیر شده است:

۱. تاویل کتاب به امام

امام صادق (ع) فرمودند: «الْكِتَابُ» امام است پس هرکس او (امام) را پشت سرش بیندازد چنان است که خداوند فرمود: «فَنَبِّذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»؛ و هرکس او را انکار کند از اصحاب شمال است. (عیاشی،

حالشان شده است.

با این حال، بنی اسرائیل به واسطه فراموشی نعمت‌ها و شکستن عهد الهی، دچار انحطاط فرهنگی و اجتماعی شدند و پیامدهای سنگینی را متحمل شدند. این عبرتی است که هر جامعه‌ای که بر پایه اصول اخلاقی و دینی بنا شده است، می‌تواند به موفقیت برسد اما غفلت از این اصول، عواقب سنگینی دارد. همچنین روایات ذکر شده، پذیرش امامان شیعه و نبوت پیامبر اسلام (ص) را جزئی جدایی‌ناپذیر از عهد و پیمان الهی می‌دانند. از دیدگاه شیعه، فهم صحیح و عمل به این عهد، مستلزم پذیرش رهبری امامان و خاتمیت نبوت پیامبر است و عدم پذیرش آن، به منزله‌ی شکستن عهد با خداوند تلقی می‌شود.

۳-۲. عهد و میثاق الهی با مسیحیان

بخش دیگری از آیاتی که به مسأله میثاق با ادیان پرداخته است، آیاتی است که به عهد و میثاق با مسیحیان (نصاری) اشاره دارد و می‌توان گفت مهم‌ترین آنها آیه ۱۴ سوره مانده: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» و از کسانی که گفتند: ما نصرانی هستیم، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و لی بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند

فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم» می‌باشد. براساس این آیه و تفاسیر مربوطه، خداوند از نصاری پیمان گرفت که او را به یکتایی بپرستند و به نبوت حضرت مسیح (ع) و سایر پیامبران اعتراف کنند. اما آنان این عهد را شکستند و بخش‌هایی از دستورات الهی را فراموش کردند و فقط در ادعای یاری حضرت مسیح (ع) باقی ماندند (طوسی، ۱۴۳۱، ۳: ۴۷۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۱۱: ۳۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۶۱۷). واژه «نصاری» به دلایل مختلفی از جمله زندگی حضرت عیسی (ع) در ناصره و درخواست ایشان که فرمود: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» از حواریون برای یاری به وجود آمده است. و حواریون پاسخ دادند: «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (صف/ ۱۴) برخی مفسران بر این باورند که این نام‌گذاری توسط مردم صورت گرفته و قرآن به عنوان یک انتخاب انسانی به آن اشاره کرده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ۶: ۲۵۰).

۱-۳-۲. مفاد میثاق خداوند با نصاری در آیات

مفاد میثاق الهی با مسیحیان از طریق آیات قرآن به موارد زیر اشاره دارد:

۱. دعوت به توحید: آیه ۳۱ سوره توبه: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا» (با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند). این آیه به نقد پرستش غیر خدا، الوهیت

۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۷: ۱۳۶). بنابراین آیه فوق الذکر به این نکته اشاره می‌کند که عدم پایبندی به تعهدات، می‌تواند به بروز اختلاف منجر شود و توجه به (دشمنی و بغض تا روز قیامت) به عنوان نتیجه نقض میثاق است.

۲-۳-۲. مفاد میثاق خداوند با نصاری در روایات

مفاد میثاق خداوند با مسیحیان در روایات به بررسی نقش و جایگاه حضرت عیسی (ع) و تأثیر آن بر پیروانش می‌پردازد.

- حضرت عیسی (ع) بنده آفریده خداوند
امام علی (ع) می‌فرماید همانا عیسی بن مریم (ع) بنده‌ی آفریده‌ی خدا بود ولی او را خدا نامیدند و قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند. (قمی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۱۹۷).

قرآن کریم به پیمان‌شکنی نصاری نیز اشاره کرده و پیامدهای آن را تفرقه و دشمنی همیشگی میان پیروانشان می‌داند «فَاَعْرِضْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (مائده/ ۱۴). این اختلافات منجر به نزاع‌های دائمی بین فرقه‌های مختلف مسیحیت شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۱: ۳۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۶۱۷) همچنین، قرآن به مجازات الهی در روز قیامت برای این پیمان‌شکنی‌ها اشاره دارد، «وَسَوْفَ يَنْبَهُهُمْ

مسیح و رهبران دینی می‌پردازد و نیز نشان‌دهنده خطر شرک عملی است و بر لزوم پرستش تنها خداوند یکتا تأکید می‌کند. (طوسی، ۱۴۳۱، ۵: ۲۰۶؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۱: ۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۲۶). و نیز در آیه ۱۱۷ سوره مائده «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» حضرت عیسی (ع) به یکتاپرستی و عبادت خداوند یگانه دعوت می‌کرد (طبرسی، ۱۳۶۰، ۷: ۲۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶: ۳۵۶) ۲- لزوم تطابق با احکام الهی: آیه ۴۷ سوره مائده: «وَلِيُحْكَمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داورى کنند، و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود، نافرمانند). این آیه بر ضرورت عمل به احکام انجیل تأکید دارد و اهل انجیل باید به قوانین الهی عمل کنند و ترک آن، فسق محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۳۱، ۳: ۵۴۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۲: ۳۷۱) ۳- عدم غلو در دین: آیه ۷۷ سوره مائده: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ...» (بگو ای اهل کتاب، در دین خود بناحق گزافه‌گویی نکنید) افراط در دین، به‌ویژه درباره پیامبران، نهی شده است (فخر رازی، ۱۳۲۰، ۱۲: ۴۱۱؛ طباطبایی،

اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» که خداوند نتیجه اعمالشان را آشکار خواهد کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۳۹۴).

به طور خلاصه، روایات، نقض عهد و اختلافات موجود در مسیحیت را به عدم وفاداری به میثاق الهی و انحراف از تعالیم اصلی حضرت عیسی (ع) نسبت می‌دهند. این روایات، نقش اساسی حضرت عیسی (ع) را به عنوان یک پیامبر الهی به مخاطبان نشان یادآور می‌شوند.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده در مقاله حاضر مطالب زیر مستفاد می‌گردد:

۱. مفهوم «عهد» و «میثاق» از دو جنبه لغوی و اصطلاحی بررسی شده است. «عهد» پیمان و تعهد دوطرفه یا یک‌طرفه است که نیاز به حفظ و رعایت دارد «میثاق» پیمان محکم و استوار که تأکید بیشتری برالتزام دارد. این تفاوت‌ها در متن قرآن و روایات به وضوح نشان داده شده‌اند.

۲. عهد و میثاق با مسلمانان در سوره (آل عمران/۷): به نعمت‌های الهی و میثاق‌هایی که مسلمانان با خدا شامل ایمان به خدا، اطاعت از پیامبر اسلام (ص)، و به‌ویژه تعهد به ولایت امام علی

(ع) است که در روایات شیعه به آن اشاره شده است. و به‌ویژه بیعت غدیر خم به‌عنوان مهم‌ترین عهد الهی برای مسلمانان مورد بحث قرار گرفته است

۳- عهد و میثاق با بنی‌اسرائیل: الف) میثاق‌های عمومی در سوره‌های (بقره/۸۳، ۶۳، ۸۴، ۸۹ و ۹۳ و مائده: ۷۰ و ۷۱؛ نساء/۱۵۴؛ اعراف/۱۵۷) شامل تعهداتی مانند یکتاپرستی، احسان به والدین، و رعایت دستورات الهی است. ب) میثاق‌های اختصاصی در سوره‌های (آل عمران/۱۸۷ و اعراف/۱۶۹). مسئولیت علمای اهل کتاب در ابلاغ حقایق دینی و پیامبری پیامبر اسلام (ص). اما پیمان‌شکنی‌های مکرر بنی‌اسرائیل، از جمله در داستان برافراشتن کوه طور بر سر آنان، منجر به لعنت الهی و قساوت قلب آنان شد.

۴- عهد و میثاق با مسیحیان در سوره (مائده/۱۴): بشارت به پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل مورد بحث قرار گرفته است. علمای مسیحی و یهودی به دلیل تعصبات قومی و منافع شخصی، این بشارت‌ها را پنهان کرده و به وظیفه خود در اعلام پیامبری پیامبر اسلام (ص) عمل نکردند. تعصبات قومی و منافع شخصی مانع از ابلاغ پیامبری پیامبر اسلام (ص) از سوی علمای مسیحی و یهودگردید

سازی نقش هر دین در بهبود روابط اجتماعی و اخلاقی مخاطبان خود به کار روند.

۷- قرآن با استفاده از شیوه یادآوری نعمت‌ها و استفاده صحیح از آنها تلاش دارد تا امت‌های مختلف را در فرایند تحول قرار دهد تا مانع فروپاشی و زوال آنها شود.

۸- استفاده صحیح و شکرگزاری از این نعمت‌ها (مادی و معنوی) به شکوفایی و پیشرفت (مادی و معنوی)، بلکه به رشد اخلاقی و معنوی می‌انجامد سرنوشت اقوام گذشته به ویژه بنی اسرائیل و مسلمانان نمونه بارز این حقیقت هستند؛ بنابراین نعمت الهی به خودی خود تضمین کننده پویایی نیست بلکه رفتار و عمل انسان در قبال آن تعیین‌کننده سرنوشت تمدن است. شکرگزاری و وفای به عهد از ارکان اساسی پویایی جامعه در آموزه‌های قرآنی محسوب می‌شود.

۵- در نهایت، این مقاله نشان داد که عهد و میثاق الهی در قرآن به عنوان پیمانی محکم و الهی با پیروان ادیان مختلف وجود دارد و وفای به این میثاق‌ها تأثیر بزرگی بر جامعه دینی و اخلاقی دارد. نقض این میثاق‌ها منجر به پیامدهایی چون لعنت الهی و عذاب می‌شود. در این مقاله سعی گردید با استفاده از تفاسیر و روایات فریقین، تطبیقی جامع میان ادیان و میثاق‌های الهی برقرار شود و تأثیرات این میثاق‌ها بر پیروان ادیان مورد بررسی قرار گیرد.

۶- تحلیلی که بر مبنای آیات و تفاسیر مفسران فریقین ارائه شد، نشان می‌دهد که عهد و میثاق‌های الهی با مسلمانان و پیروان ادیان یهود و مسیحیت نه تنها بر مبنای اصول اعتقادی، بلکه بر اساس مسؤولیت‌های اجتماعی و اخلاقی تعریف شده است. این پیمان‌ها به‌راستی می‌توانند به عنوان معیاری برای شفاف

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله برگرفته از رساله/پایان نامه نمی باشد.

- منابع**
- قرآن کریم.
 - ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). التسهيل لعلوم التنزيل. بيروت، دارالارقم بن ابي الارقم، اول.
 - ابن شهر آشوب، محمد بن على، (۱۳۷۶ق)، المناقب آل ابي طالب، قم، علامه، اول.
 - ابن طاووس، على بن موسى (۱۴۱۳ق). اليقين باختصاص مولانا علي (ع) بامرة المؤمنين، قم، دارالكتاب، اول.
 - ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۱۴ق)، معجم مقاييس اللغة، ترجمه: محمد هاروني، قم، دارالفكر، اول.
 - ابن ابى شيبة، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق)، المصنف فى الاحاديث والآثار، رياض، مكتبة الرشد، اول.
 - ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، المسند، محقق: محمد بركات، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول.
 - افرام بستانى، فواد (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدى، ترجمه: رضا مهيار، تهران، ناشر اسلامى، دوم.
 - بحراني، سيد هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فى علوم القرآن، بيروت، دارالمعرفة، اول.
 - ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق (۱۴۲۲ق)،
 - الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، اول.
 - جصاص، احمد بن على (۱۴۰۵ق)، احكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، اول.
 - حرّ عاملي، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، وسايل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع) دار لاهياء التراث، اول.
 - حويزى، عبدعلى بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسير نور الثقلين، قم، اسماعيليان، چهارم.
 - خرمशाھی، بهاءالدين، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ناشر: ناهید و دوستان، تهران، ۱۳۷۷ش
 - ديلمى، حسن بن ابى الحسن (۱۳۷۶)، ارشاد القلوب إلى الصواب المنجى من عمل به من أليم العقاب، قم، انتشارات ناصر، اول.
 - راغب اصفهانى، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات في غريب القرآن، ترجمه: صفوان الداودي، بيروت، دارالقلم، اول.
 - رشيد رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، بيروت، دارالمعرفة، اول.
 - زبيدى، مرتضى (۱۳۸۵ق)، تاج العروس

- من جواهر للقاموس، بيروت، دارالهداية، طوسي، محمد بن حسن (١٤١٣ق)، التبيان اول.
 - زمخشري، محمود بن عمر (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التاويل، بيروت، دارالكتب العلمية، سوم.
 - سبحاني تبريزي، جعفر، منشور جاويد، ناشر: موسسه امام صادق (ع)، قم، ١٣٩٠ش.
 - سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن (١٤٠٤ق)، الدر المنثور في التفسير بالماثور، قم، كتابخانه آيت الله العظمى مرعشي، دوم.
 - طباطبائي، محمد حسين (١٣٧٤)، الميزان في تفسير القرآن، ترجمه: موسوي همداني، قم، دار الكتب الاسلاميه، پنجم.
 - طبرسي، فضل بن حسن (١٣٦٠)، مجمع البيان ف تفسير القرآن، ترجمه: احمد بهشتي، تهران، فراهاني، سوم.
 - طبري، ابوجعفر محمد بن جرير (١٤١٢ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفه، اول.
 - طريحي، فخرالدين بن محمد (١٤١٤ق)، مجمع البحرين ومطلع النيرين، ترجمه: احمد حسيني اشكوري، تهران: المرتضوي، سوم.
 - طوسي، محمد بن حسن (١٤١٣ق)، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي، اول.
 - عسكري، حسن بن علي، (١٤٠٩ق)، التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري (ع)، قم: مدرسه الامام المهدي (عج)، اول.
 - عياشي سمرقندي، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق)، تفسير العياشي، مصحح: هاشم رسولي محلاتي، تهران: چاپخانه علميه، اول.
 - فتال نيشابوري، محمد بن حسن (١٣٦٦)، روضه الواعظين، ترجمه: مهدي دامغاني، تهران: نشر ني، اول.
 - فخر رازي، محمد بن عمر (١٤٢٠ق)، مفاتيح الغيب (تفسير الكبير)، بيروت: دار احياء التراث العربي، سوم.
 - فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (١٤١٠ق)، تفسير فرات كوفي، تهران: انتشارات وزارت ارشاد، اول.
 - فراهيدي، خليل بن احمد (١٤٠٩ق)، العين، قم: موسسه دارالهجره، دوم.
 - فيومي، احمد بن محمد (١٤٢٨ق)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قاهره: دار المعارف، اول.
 - قرشي، علي اكبر، (١٣٧١)، قاموس قرآن،

- تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، چهارم.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، اصول الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
 - متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ترجمه: بکری حیانی، بیروت: مؤسسة الرسالة، اول.
 - مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چهارم.
 - مغنیه، محمد جواد، (۱۳۷۸)، التفسیر الکاشف، تهران: صدرا، سوم.
 - مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۴ق)، الاختصاص، بیروت: دارالمفید، چهارم.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، اول.